

حقیقت

شماره ۴۶ ۲۹ آبان ۱۳۵۸

اکنون نوبت آمریکاست

این شعارین مرحله از مبارزه روزها خیابان آیت الله طالقانی به رزات دلیرانه مردم ما برای آزادی و رهائی ملی است. نبرد فدا مپریا - لیستی مردم ایران، که با اشغال جاسوسخانه آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام "تکان بزرگی بخود دید، با هدف قرار دادن شیطان بزرگ آمریکای جنایتکار، مسئول اصلی ۲۷ سال رژیم ختنناق و کشتار و خیانت محمد رضا شاه، اوج میگردد و به پیروزیهای تازه ای میرسد. این

در این شماره:

دست در زبان از نغش شهدا کوتاه
گرددستان، یک ماه حماسه و مقاومت
درباره گروه اخراجی از گانئون نویسنندگان
سازمان گسترش مسکن

سخنی با انحراف جویان

رویدادهائی که منجر به تصرف جاسوسخانه آمریکا در تهران و ایجاد یک جود فدا مپریا لیستی در میان مردم شد، و در این میان دولت لیبرال با زرگان نیز سقوط کرد، برای پاره ای گروهها و جریانهای سیاسی شیبه هائیی ایجاد کرده و آنها را از حرکت و اتحاد تصمیم درست لنگر ندها است. در اینجا منظور ما تحلیلها و مواضع مزورانه برخی عناصر معلوم الحال در روزنامه های لیبرال، که در باطن طرفدار بختیاریها و با لاکر - فتن تشبیهات ارتجاعی مشروع طلبان حریص قدرت و با استفا ده زسازشکاری دولت با زرگان خود را با میلیون بورژوازی قاطی کردند، تمییز حساب آنها با بقیه جداست. ضمنا به اشتباهات و جزم اندیشیهای پاره ای جزویانهای ظاهرا رادیکال و امکانا ملی و مذهبی و غیر مذهبی نیز کاری ننهادیم. در

نه و صد بار نه!

قانونی که ضد امپریال دمکراتیک و ضد امپریالیستی مردم ما میباشد مورد تأیید آنها نیست در صفحه ۶

انعکاس بین المللی تسخیر جاسوسخانه آمریکا

اقدام جسورانه و انقلابی تسخیر لانه جاسوسی یانکی ها در ایران بدجوری دست دولت آمریکا و خاصه کابینه کارتر را در پوست گردو قرار داده است. شاید بتوان گفت که این اقدام جسورانه حتی بیش از انتظار عاملین آن صحنه سیاست بین المللی را تحت تأثیر خود قرار داده است. ملتی که با قیام قهرمانانه خود توانست دست دار و دسته جلاد و نوکر مفت شاه را از ایران فراری دهد، علی رغم سنگ انداختن های دولت با زرگان و هیات حاکمه بورژوا در ۱۰ ماه گذشته، بالاخره به خاست و در مقابل ابرقد رت آمریکا سینه سپر کرده است. شک نیست که گروههای حاکم مشروعه چینی

و ضد انقلابی از این موقعیت نواخواسته، برای تحکیم میانسوی و مواضع خود از هیچ گونه تزویروریا کاری چشم پوشی نخواهند کرد ولیکن یک چیز روشن است، حرکتی که ایجاد شده، و هیچکدام از محافل حاکمه نمی توانند مگر با رسوا کردن ماهیست سازشکارانه و ضد انقلابی خود، سد راه آن شوند. همین گسترش تضاد واقعی و اساسی جامعه یعنی تضاد میان اکثریت قاطع توده های خلق های ایران و امپریالیسم و وابستگی بومی آن می باشد. "بعذارشاه نوبت آمریکاست" شعاری که طی یک ساله اخیر از هر گوی و برزنی بگوش بقیه در صفحه ۲

مذاکره یا توطئه

مذاکره یا توطئه در کردستان - فقط آن کسانی که حزب دموکرات کردستان را یک جریان مترقی، اگرچه "لیبرالی و سازشکار" میدانستند امروز دچار سرگیجه گردیدند. ولی سران حزب دموکرات خیلی زودتر از آنچه که اینگونه نیروها تصور میکردند نقاب "ترقی خواهی" و "دفاع از منافع خلق کرد" را از چهره برگرفتند و خیانت پیشگی خویش را عیان ساختند. آقای کریم حسامی یکی از رهبران حزب دموکرات در مصاحبه خویش مندرج در اطلاعات، ۲۰ آبان خیلی بی پرده و بدور از هرگونه تعارفات ویژه، خیانتکاران سخن گفت. ایشان آشکارا صدور اعلامیه بر علیه تظاهرات را تأیید کرده و دلیل آنرا هم این چنین توضیح دادند: "در این شرایط نمی خواستیم زتظاهرات را که احتمالاً شعاری علیه دولت داده خواهد شد شرکت کنیم و فضای مذاکرات را آلوده کنیم." در باب اختلافات اصولی و ریشه ای که بین سران خیانتکار حزب دموکرات و دیگر نیروها

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۳

حقیقت

انعکاس ...

میرسیده، در صورت حمایت و کمک نیروهای واقعا انقلابی، میتواند راه عملی خود را یافته و عرصه بزرگتری از مبارزه انقلابی را در جهت منافع واقعی خلق برای خلقهای مابین نماید.

اولین و مقدمترین تاثیر بین المللی این اقدام جسورانه در اینست که با رد دیگر تاریخ نتوانست شاهد این باشد که خلقی هر چند کوچک ولی مصمم میتواند در مقابل یک ابر قدرت خونخوار امپریالیست قدرتمند افرازد. این تاثیر نیکوئی بسط خلقهای ستمدیده دنیا گذارده و موجبات دلگرمی آنان را فراهم نموده است. مقام و منزلت مردم ایران در نظر رتوده های ستمدیده مردم جهان واقعا بالا رفته و این مایه خشنودی است.

ثانیا، دولت امپریالیستی آمریکا، که در این چند سال اخیر شاهد مورد ضربات جانانه خلقهای بیباک خاسته بر علیه خود بوده است، سعی نموده همواره خود را حامی واقعی نگران خود نشان دهد - که واقعا هم هست. در این جهت دولت آمریکا از هیچگونه توطئه و جنابیتی نیز فروگذار نکرده و نمیکند، برآستی میتواند اذعان نمود که کشور آمریکا میهن - دارانما می دارودسته های جانی، فاشیست، خونخوار ... بین المللی است. هر خائنی که از کشور خود بدست توده های مردم آن دیار رانده شده در امان دایه خود یعنی امپریالیسم آمریکا حفاظت میگردد. امپریالیسم آمریکا نیز بخاطر اطمینان دادن به حمایت خود از نوکران در این مورد از هیچ گونه اقدامی دریغ نمیورزد.

لذا خواست استرداد دینو کرد در جهت امپریالیسم از آمریکا، و بستن راه های گریز از آن، موقعیت سخت بخیرنجی را برای دولت آمریکا ببار آورده است. استرداد شاه به ایران به معنی عقب نشینی آمریکا از امپریالیست در مقابل خلقهای ایران خواهد بود که در این صورت موجب نگرانی و تشویش خاطر سایر نوکران آمریکا در کشورهای مختلف خواهد شد. (در عین حال برخی محافل حاکمه نیز در مو قعیتی قرار گرفته که هرگونه عقب

نشینی و یا فتن راه گریز از این موقعیت نه تنها مورد موافقت مردم ایران قرار نخواهد گرفت، بلکه موجب رسوائی بیشتر سازشکاران محافل حاکمه خواهد شد) لذا این حرکت تسخیر لانه جاسوسی، صرفا بعدملی نداشت و یا محدود به کشور آمریکا نمی شود، بلکه ابعا بسیار وسیع تری بخود گرفته است.

دولت امپریالیستی آمریکا مذبحخانه تمام امکانات خود را برای سد کردن این مبارزه ویا حد اقل منحرف و محدود کردن آن بکار گرفته است. از یکسویک جنگ تبلیغاتی علیه ایران بر راه انداخته و احکامات مردم آمریکا را شدیداً تحریک نموده است تا بتوانند موقعیت متزلزل خود را تحکیم بخشد. ارگانهای پلیسی جاسوسی و دستگاههای اداری امپریالیسم آمریکا و گروههای ارتجاعی آمریکا، اتحادیه های زرد آمریکائی، دارودسته های فاشیستی چون جی دی ال (دسته دفاع یهودی) که یک سازمان تروریستی صهیونیستی است و تمام دستگاهاهی تبلیغاتی و مطبوعاتی امپریالیسم جلودار یک حرکت ارتجاعی بر علیه اقدام ضد امپریالیستی مردم ایران شده اند و طبق معمول با پخش اکاذیب مردم سادهدل آمریکا را فریفتند و آنان را در راه مقاصد شوم فاشیستی و امپریالیستی خود مورد سوء استفاده قرار میدهند. در این میان دولت ایران نیز تنها به یکسری اقدامات فرمی و جزئی برای آگاه کردن مردم آمریکا متوسل میشود که در مقابل یورش ارتجاعی دستگاههای حاکم امپریالیسم آمریکا توانائی مقابله و مت راندارد. بیش از اقدامات سفارت ایران، خود ایرانیان میهن پرست هستند که میکوشند مای مردم ایران را بگوش مردم آمریکا برسانند.

در عین حال هیات حاکمه امپریالیسم آمریکا به تمام دستگاهها و ارتباطات بین المللی خود متوسل شده است تا افکار عمومی جهانی را بر علیه این اقدامات فدا امپریالیستی مردم ایران بسیج کند. مردم ایران باید کاملاً متوجه باشند که در این لحظات حساس از مبارزه دوستان و دشمنان انقلاب کیانند. چه کسانی مدافع منافع مردم ایران هستند و چه کسانی بحدت با آن ضدیت میورزند. سازمان ملل متحد، که یک ارگان (زیر سلطه امپریالیسم) بین المللی است، با اشاره نگشت مقامات آمریکائی جلسات شورائی امنیت را برپا میکند و در عرض دوساعت اطلا

عیهای بر علیه اقدام فدا امپریالیستی مردم ایران ما در مینما میدوخواستار آزادی فوری گروگانهای آمریکائی میگردد. چه کسی در این شورائی امنیت هستند و چگونه رای دادند؟

۶ کشور در این شورا عضویت داده اند: آمریکا، شوروی، چین، انگلستان، فرانسه و کانادا. رئیس موقت این شورا نماینده کشور بلژیوی (یک کشور "جهان سومی") است. هیچ اطلاعیه و یا قطعنامه ای مگر به اتفاق آراء این اعضا نمیتواند تصویب گردد. نماینده آمریکا در این جلسه

از دوساعت جلسه، اطلاعیه مزبور را به اتفاق آراء اعضا آن به تصویب می رساند. آمریکا، انگلستان، فرانسه، کانادا ادعای دفاع از انقلاب ایران را ندارند که هیچ، آشکارا بر علیه آن خصومت میورزند. ولی شوروی و چین که خود را با اصطلاح "سوسیالیست" مینما - یند چطور! آنها نیز در خفا بر علیه ایران رای دادند و بدینوسیله ماهیت ارتجاعی خود را بر ملا خنند. چطور شد که دول با اصطلاح "سوسیالیستی" شوروی و چین که خود را متحد طبیعی خلقهای ستمدیده جهان مینما مند، در این لحظات حساس و تعیین کننده توزرد از آب در آمدند و دست اتحادیه امپریالیستهای غربی دادند؟ اینجاست که محک انقلاب دوست و دشمن را از یکدیگر جدا می کند و نشان میدهد که عملا چه کسانی دوست و چه کسانی دشمن انقلاب و خلقهای ستمدیده هستند.

آیا وابستگان ایرانی این دو کشور بظاهر "سوسیالیست" یعنی دارودسته حزب توده و سازمان انقلابی و گروههای وابسته به آن، که دسته گل برای دانشجویان پیرو خط امام می فرستند، میتوانند حرکات امپریالیستی اربابان خود را توجیه کنند؟ واقعیت اینست که اینان

نمی توانند به این سؤال پیش پا افتاده پاسخ گویند. و این هشدار است با شده کسانی که به چشم میدبای این کشورهای "سوسیالیست" در حرف و امیر - یالیست در عمل "دوخته اند".

از کشورهای دیگری که بنا به خواست دولت آمریکا به پادرمیانی به جلوگام برداشته اند، میتوان، پاکستان، ترکیه، سوئد، عربستان، شوروی و ... را نام برد. جالب است که کسانی که از آنرا جزء قلعروا مست اسلامی نامیده اند چگونه توجیه می خواهند کرد که کشورهای اسلام بنا هم - جو را ایران به یکباره و با اشکاره انگشت آمریکا وارد میدان شده و همیزم

کش امپریالیسم آمریکا گشته اند. اینجاست که مجددا درمی یابیم مرز بین انقلاب و فدا انقلاب، خط فاصل میان مدافعین و مخالفین با امیر - یالیسم، وجه تمایز میان مدافعین و مخالفین توده های ستمدیده زانسه دین و مذهب بلکه منافع طبقاتی دولتها تعیین میکند. در عین حال ما ندیدیم که کشورهای با اصطلاح "انقلابی" سوریه، لیبی، الجزایر - نیز که مدافعین سرخستی در هیات حاکمه ایران دارند، از این اقدام انقلابی دفاع نمایند.

تنها یک کشور در دنیا بود که از این حرکت جسورانه فدا امپریالیستی مردم ایران بدفاع برخاست و آنهم کشور کوچک سوسیالیستی آلبانی می باشد. دولت انقلابی آلبانی با این موضع گیری بجای خود نشان داد که مدافع واقعی منافع خلقهاست و مردم ایران نیز باید از این رفتار انقلابی دولت آلبانی بگرمی استقبال نمایند. نکته جالب توجه اینست که دولت آلبانی، مانند برخی گروهها و احزاب خارجی صرفا از خواست استرداد شاه دفاع نکرده است، بلکه مهم تر از این خواست، از اقدام ضد امپریالیستی و فدا امپریالیستی مردم به دفاع پرشوری دست زده است. و این نشان دهنده اضمالت انقلابی ایمن دولت کارگری می باشد.

اینجاست که می بینیم مو قعیت بین المللی انقلاب ایران به چه نحو است، چه کسانی دوستان و مدافعین مبارزات فدا امپریالیستی و ضد امپریالیستی مردم ایران و چه کسانی دشمنان و مخالفین آن می باشند. بار دیگر روشن میشود که سوسیالیسم راستین و انقلابی تنها مدافع پیگیر و واقعی خلقهاست که از هیچگونه یاری و همبستگی در حد توان غمخورد از ملل ستمدیده دریغ نمیورزد.

مذاکره ها ...
ها و شخصیتهای انقلابی و آزادیخواه در کردستان موجود است میگویند: "در مایل اساسی اختلافی نداریم مثلا ما می گوئیم با ارتش سرچنگ نداریم اما اینها شعرا ما را فرصت طلبی و سازشکاری میدانند" آری اصلا اختلاف اساسی موجود نیست!! فقط آقای حسامی و دیگر هم کیشان نش ارتش را دوست خود میدانند و بقیه نیروهای واقعا انقلابی ارتش را یک سیستم ضد خلقی و ارتجاعی. اما نکته اصلی مصاحبه ایشان آن است که آقای حسامی صراحتا همه نیروهای بقیه در صفحه ۲

سخنی با...
در اینجا روی سخن ما با پاره‌ای محافل و گروههای چپ و مارکسیست لنینیست است که با تحلیل‌ها و برخوردهای چپ روانه خود عملاً در برابر حرکت فدا میریالیستی مردم ایستاده و هر چند در راه این منظور ما برویهای درجی سانس مغروب به "خند سه" و همچنین جریان دانشجویی معروف به "دانشجویان مبارز" میباشند. اینها معلوم نیست چرا با ظرایف دولت سازشکار با زرگان، که در این اواخر مقاسد برخی وزارتخانه‌ها پیش بسیاری از توده‌های هواداران را نیز عصیان کرده‌بود، و با شرکت و حمایت اجباری یا مصلحتی مشتاق محافل دور و سو دوجو، اصالت نبرد فدا میریالیستی ملت را نانی میکنند و بیرون خاک میباشند. اینان بجای پشتیبانی بی دریغ و یاری رساندن به گسترش و زرفش این مبارزه عادلانه مرکزی، که تمامی یک ملت را در برابر آمریکا جنایتکار و حاکمان اش قرار داده و هرنیسروی مغرض و سودجویی نیز تنها در جریان گسترش و زرفا گرفتن چنین مبارزه‌ای رسوا و انگشت‌نمای ملت میشود، بد پختن انواع و اقسام تحلیلهای روشن-فکرانه و چپ‌نمایانه و بدون پایه و اساس متوسل گردیده‌اند. این رفقا جدا با پدید خود آیند! آخر رفقا نمی‌توان با بستن این نبرد بزرگ فدا میریالیستی به "توطئه‌گری" سرخی محافل سودجو و دربی قدرت از پشتیبانی آن سرباز زد و حتی بدستور آن را تخطئه نمود. آخر رفقا، بودند کسان نی هم که قیام خلق ما را که منجر به سرنگونی رژیم منقورشاهنشاهی شد، به عنوان "سناریوی امپریالیسم آمریکا" تخطئه میکردند و عملاً اصالت انقلاب مردم را مورد تردید قرار می‌دادند، ولی خودشان این کسان بی‌مقدار را بدرستی به باد حمله میگردانیدند.

سقوط دولت با زرگان جز آن دلالی که خود آقای با زرگان، مبنی بر کارشکنی‌ها، مزاحمت‌ها و دخالت‌های بیجا و غیره طرح کرده‌بودند شک محافل فدا انقلابی و جاه طلب نیز در کنار زدن با زرگان و دوستان سازشکارش

(سازشکارها همه کس و همه طرف به جز با چپ) منافی برای خود میجسته‌اند. در درجه اول و در تحلیل نهائی محصول سازشکاری طولانی خود این دولت و عدم تطابق مشی انحراف - گرانده و پرماشات بورژوازی لیبرال با خواسته‌های انقلابی و سرفتن حوصله مردم بوده است. اگر جز این بود، با زرگان که از حمایت توده‌ای بی سابقه‌ای برخوردار بود، به این آسانی خود را کنار نمی‌کشید و حتی با همراهی مصلحتی با خود فدا میریالیستی موجود و اشغال لانه جاسوسی آمریکا و دیگر محافل موقمیت غسوسون را محکم تر هم میتوانست بکند. این سازشکاری خود این دولت و ناسازگاری آن با کوشش انقلابی جامعه بوده که صبر خود را، با وجود ۹ ماه "مبارز انقلابی" مردم، از دست داد و ترجیح داد که در صحنه در حال اتحاد لیبرالها استوار بایستد و ننگان نخورد. علاوه بر آن روند تجزیه درون محافل روحانیت هواداران - الله خمینی در میان گروه سردمداران بد سابقه حزب جمهوری اسلامی ما نند، بهشتی و همدستانش و گروه احمد خمینی موسوی خائینی و دیگران که بدون شک در جریان اشغال جاسوسخانه آمریکا دست داشته‌اند، باید بحساب آورد. افرادی چون آیت الله بهشتی و همدستانش که امروز با بوق و کرنا هواداری خود را از اقدام لیبرالنه‌ها - دانشجویان و جوانان ما اعلام میکنند - همانها بودند که تظاهرات ضد آمریکا - بی مردم را در عید قربان از حرکت به سوی سفارت گذاشت آمریکا به سوی میدان شوش منحرف کردند و مذبحا نه کوشیدند تا با زان را به یک جنجال ضد کمونیستی و صرفاً مشروعه خواهانه تبدیل کنند.

بی شک جریان اشغال جاسوسخانه آمریکا توسط دانشجویان و همراهی مردم با آنها، که دارای اصالتی قاطعاً فدا میریالیستی است، واکنشی در برابر سازشکاری وقت - تلف کردنیهای دولت آقای با زرگان، شورای انقلاب و همچنین محصلول تجزیه درون روحانیت هواداران آیت الله خمینی نیز بوده و از این لحاظ، هر چند در خطر انحراف توسط محافل قشری و تنگ نظر هم‌گوشید با دشمنان فنی هم برای آنها از نظراتی گیری برای قانون اساسی گذاشتی مجلس خیرگان داشته‌باشد، باید مورد حمایت قرار گیرد. مبارزه دموکراتیک برای تأمین و تضمین آزادیهای سیاسی و غیره هر آینه اگر با مبارزه‌ای علیه امپریالیسم، و اصولاً در چهارچوب مبارزه با امپریالیسم و فاشیسم و فاشیسم

مذاکره‌ها...
مبارز و شخصیت ملی و مذهبی کردستان شیخ عزالدین حسینی را به هیچ‌گرنه و نگفته‌اند: "مذاکره دولت باید با نمایندگان حزب باشد." ایشان به این ترتیب صریحاً خواسته به حقوق نیروهای انقلابی و شیخ عزالدین را که دولت باید با شورای مرکب از نیروهای انقلابی کردستان مذاکره کند را به هیچ گرفته و عملاً خود را مالک القاب کردستان معرفی کرده است.

آقای حسامی از مذاکرات خوشحال است، زیرا سران حزب دموکرات هیچ نمی‌خواستند جز کنتراول کردستان و حاکم مطلق گردیدن در آن خطه! مقاصد امیال سران حزب دموکرات خیلی زود روشن شده است، شاید این درس و تجربه‌ای باشد برای نیروهای مترقی و انقلابی تا از این پس احزاب و جریانهای ارقبیل حزب دموکرات و حزب توده را نه بر مبنای حرفی‌هایشان، بلکه بر مبنای اعمالشان محک بزنند و خود را با ریجه و آلت دست آنان قرار ندهند و مبلغ آنان نگردند!

المللی، که قوی ترین نیروهای فدا انقلاب و تعیین کننده تشبیهات ارتجاعی در کشور ما نیز هستند، صورت نگیرد و دردمیخورد و خود بدترین انحراف است. علاوه مبارزه واقعی و خیابانی توده‌های مردم و گسترش و زرفش این مبارزه، که امروز امپریالیسم جنایتکار آمریکا را نشانه گرفته و عملاً رشد میکند، با آگاهی و جوش و خروش که در توده ملت ما بوجود می‌آورد و خود تضمینی قوی تر از هر چیز دیگری در برابر تعدی و تجاوز به آزادیهای سیاسی است، و بنا بر این با پیدای آن قاطعاً نه حمایت کرد و به گسترش و زرفا بخشیدن به آن همگام است.

البته از حرکت فدا میریالیستی ملت ما نیروهای معینی در قدرت، که اعتبار گذشته خود را نزد انقلابیون و توده وسیعی از اهالی کشور از دست داده‌اند، بدون آنکه تغییری درونی در ماهیت آنها بوجود آمده‌باشد (و انتظار می‌رود اینها نیز نیست) می‌کوشند تا راهی برای تحکیم دوباره موقعیت خود در اذهان مردم دست و پا کنند. در این میان جریانهای چون حزب جمهوری اسلامی که افراد مشکوک و فدا انقلابی چون بهشتی و همدستان ضد کمونیستش در رأس آن قرار دارند و از پایه‌گذاران جنجال مشروعه طلبانه در کشور ما هستند، یعنی همانهایی که

بقیه در صفحه ۴

دولت و شورای انقلاب نیز از مذاکرات خوشوقت است. سیاست کلی ایشان سرکوب و جلوگیری از رشد و تعمیق انقلاب در کردستان بمطایب جزیی از ایران بود. اگر چه جناحهای مختلف شریک در قدرت اختلافاتی با یکدیگر داشتند، ولی این اختلافات نه در مضمون و محتوی و هدف فوق‌الذکر بلکه در شیوه و چگونگی رسیدن به این مقصود بود. با مبارزه همه جانبه خلق مبارز کرد و نیروهای انقلابی شیوه لشکرکشی و پیروزی "برق آسا شکست خورد" اینان امروز در پی پیاده کردن همان اهداف و مقاصد ما با شگبندی دیگر هستند. اینان به این نتیجه رسیده‌اند که میتوان از سران حزب دموکرات برای خفه ساختن انقلاب در کردستان استفاده نمود. همین‌ها بی‌گناه چندی پیش همه مبارزات خلق کرد را به حزب دموکرات نسبت میدادند امروز چنین حرف میزنند: "همکاری حزب دموکرات موجب شد که بیشتر شهرهای مناطق کردنشین در این روزها از آراستن برخوردار باشند." (حقیقتاً استانداران آذربایجان غربی، کیهان ۲۵ آبان). و یا حجت الاسلام کرمانی نما پندها ما در منطقه تقریباً ساخت و باخت با سران حزب دموکرات انجام شده اعلام میدارد: "...بقیه سران حزب دموکرات اعلام کردند که حتی اگر شیخ عزالدین اعلام موافقت با آتش بس و سایر مسائل مورد توافق نکند، آنها بی‌آنکه آتش بس را بطور رسمی و از سوی خود اعلام خواهند کرد" (همانجا).

بنظر میرسد که کار بسیار رخنه‌تراز مذاکره نیز باشد و حزب دموکرات و ارتش عملاً و در کنار هم وارد عرصه عمل نیز گردیده‌اند: "در آشنوبه بین نمایندگان زاندارمری و حزب دموکرات محل توافق شد که... افراد مسلح حزب دموکرات و زاندارمری برای جلوگیری از عملیات خرابکاران همکاری کنند." (اطلاعات ۲۵ آبان).

بنابراین "مذاکره" و "راه حل سیاسی" همه قول و قرارهای مثبت و مجانی که دولت و شورای انقلاب در باره‌اش سخن سرائی میکردند، همان سرکوب انقلاب در کردستان است ولی اینبار با همکاری و همراهی سران حزب دموکرات، ولیبرالها و ولایت فقیه‌ها برای موجه جلوه دادن این توطئه دست به تظہیر حزب دموکرات هم زده‌اند. در تحصن ۱۵۰۰ کردمیریانی که دوش از اعضایی شورای انقلاب، قطب زاده و هاشمی بقیه در صفحه ۴

سخنی با ...

تظا هرات مردم را بسمت میدان شوش منحرف ساختند تا جعلیات ضد کمونیستی و ارتجاعی خود را بخورد مردم دهند، کوشش در بهره برداری از اوضاع بنفع خود دارند. این محافل که مدت ها به برانگیختن مردم علیه یکدیگر و روحانیت و غیر مذهب و ایجاد فتنه های ملیتی و فرقه ای مذهبی در میان مردم و بلعیدن حریم نه قدرت مشغول بودند و خواهند بود و ضمنا شکست ها می هم تا کنون شوش جان کرده اند، بهیچ رو دلشان بحال مردم و آرزوهای ملی مردم ما نمیسوزد و توقعی هم از ایشان نیست. از سوی دیگر حزب کداز می توده به سرکردگی کیا نوری بدست باقیه و خاشاک نیز، که اتفاقا بنا به اقتضای دست در دست همین محافل بالا گام برداشته و بر میدارد، با همه قوا میکوشد؛ از او ضاع بنفع خود بهره برداری کنند و اعتبار بنبردند و دلانه خلق را بحساب خود و ریز گردانند. ضمنا همی دستجات عوام فریب یا دشمن هم هستند که در نهان، افراد مشکوک الهویه، قلدر ما آب و جاده طلبی چون تیمسار مدنی، این نامزد نقش راضا خانی، را حمایت کرده و در آرزوهای دور و دراز خود نقشه ریاست جمهوری این امید آ آینده ایران و "سرباز سلحشور کداز" می را، که معلوم نیست با آن سلحشوریش چگونه در درگیریها پیش با ندهی لوی در مقام معلمی ارتش باشد. هتاهای با برجا ماند، میکشند. ولی مبارزه بیخ و خمدار و توده های مردم در جریان همین بیخ و خمدار آگاهی خود را ارتقاء داده و سرانجام هم در یکی از همین بیخ و خمدار مع مدعیان دروغین امر سعادت و رهائی شان را خواهند گرفت و حسابشان را کف دستشان خواهند نهاد. درست در صورت گسترش و ژرفا گرفتن همین نبرد فدا میریای لیستی خلق ما، که کمونیست ها و انقلاب بیون با یدیا تما می نیرو در راه همت گمارند، پتد این محافل مکار و سودجوی گویا فدا میریای لیست برای مردم روی آب افتاده و مشتکان گشوده خواهد گشت.

جریان و قیام کنون بدین نحو است: کارگران با همه نیرو از رویا دا شغال لانه جاسوسی آمریکا، چه

با گذراندن قطعنا مه و چه با تظا هرات همبستگی، پشتیبانی کرده و خواست های ملی مردم را، که سازشکاران و محافل فرصت طلب مذهبی ما ههسا پشت گوش انداخته و به گمراهی مردم مشغول بودند، یعنی الغای کلیه قراردادها و معاهدات رژیم سابق با آمریکا و مصادره و ملی کردن سرمایه های آمریکا لیستی و وابستگان بو می آمریکا لیسم و غیره، با قاطعیت فریاد میکنند و ما منه مبارزه ضد آمریکا لیستی را فراخ میگردانند. نمونه آن با فشاری موفقا نه نفتگران دلیر ما برای قطع صدور نفت به آمریکا و اقدام دلیرانه کارگران دوشو شرکت آمریکا می حفاظت در جنوب میباشند. لایه های مختلف خرده بورژوازی یعنی پیشه واران، دانشجویان، طلاب مدارس دینی، کارمندان جز، نیروهای مترقی درون ارتش و پاسداران و غیره با جوش و خروش در حرکت ضد آمریکا لیستی شرکت داشته و آن غلبان مثبتی را، که بدست مشروعه طلبان و با هدایت خائفا نه بورژوازی هراسان از انقلاب و خواهان آرامش به سمت کوبیدن جناح چپ انقلاب و طبقه کارگر و یاب درون ما اجراهای تفرقه افکنانه در صف عمومی مردم منحرف میگشت، در خود احیاء میکنند و از خواستهای ملی دفاع میکنند. اگرچه امکان نوسان و قیقاچ همیشه موجود است! بورژوازی ملی ولیرال منش از جمله روشنفکران بورژوازی مانده و کلا و حقوقدانان استادان و کارمندان متوسط، رو حانیت وابسته به این بورژوازی و غیر با غرولند حرکت را تا ناید میکنند و لی از شتاب طولانی شدن آن بیمناکنند و همان حرکت کج دار و مریز با سبق را دارند، دهقانان براحتی میتوانند و میخواستند و در چنین مبارزه ای شوند ولی با یدخیا لشان راجع به زمین و تعدی ملاکان مرتجع و بورژوا فئودال ها نیز راحت باشد. بورژوازی بزرگ وابسته و ملاکان بزرگ و داریو دسته های مرتجع ارتشی و روشنفکران مرتجع و بیگانه پرست بالکل از این درگیری شدید با آمریکا نگران و با آن مخالفند، چه بحق میترسند با عمق با بی جنبش پای آنها، که امروز در سطح شاربمیان کشیده شده، با به هیجان در آوردن مردم کوچه و خیابان در عمل نیز بمیان کشیده شود و توده مردم شهرها و دهات با ریدگر در سطحی وسیع بسوی پایگا های آنها هجوم آورند و ضربات دیگری با آنها بزنند، با بقول خودشان از کنترل خارج شوند. اگر این گروه های چپی، که

پیش تر نا مبرخی ها ایشان را بردیم، این واقعیت عینی مبارزه طبقاتی و نتیج گسترش مبارزه فدا میریای لیستی کنونی را، که حداقلش ارتقاء آگاهی مردم، جری کردن توده های مردم ما در برابر امپریالیسم جناحیتکار و عمالشان و ما بت ضرباتی به آنهاست درک نکنند و با کج اندیشی روشنفکرانه در "تجزیه و تحلیل" گروه بندیهای مختلف هیات حاکمه غرق شوند، زیان بزرگی به جنبش ما و به جنبش خلق ما زده اند، و مطمئنا تاریخ آنها را محکوم خواهد ساخت. آنها نیکه حرکت های توده مردم را صرفا در حصار بورژوازی و درگیریهای محافل و گروه های سیاسی مختلف توجیه کرده و همه چیز را بمنزله توطئه و آلت دست بودن و امثالهم درک میکنند، از تجزیه و تحلیل علمی و انقلابی حرکت های طبقاتی عاجز مانده و عاقبت به کج راه های بی با زگشت کشیده میشوند. رفقای عزیز بخود آئید!

پس از ۹ ماهه خرابکاری نیرو های سازشکار و مشروعه چی در مسیر حرکت انقلاب کشور ما وسی در انحراف آن، اکنون تحریک نوینی در انقلاب پدید می آید. این تحریک که بنا بقا عده و مانده همیشه به پیشگامی دانشجویان در جریان اشغال مهمانخانه ها و بعد در سطح عالی تروبا هدف گیری روشن با تصرف جاسوسخانه آمریکا و شعبات آن آغاز گشت فوراً مورد حمایت کارگران و توده زحمتکش و همه مردم قرار گرفت.

هیزم خشک کوره انقلاب ملت ما آنقدر فراوان و آماده برای احتراق است که بیک جرقه ای میتوان اندالو بگیرد و منفجر شود. مهم آنست که ایین جرقه زده شود و این کوره با تمام حرارت خود دشمنان اصلی ملت ما را در راه سوزان آتش خود محاصره کند و اخگرها یش درست بر هدف اصابت کند. اکنون آن کس که جلوی ایین احتراق و انفجار و خشم ملت ما را بگیرد و یا بخواد هر آن آب سردی باشد، داری بزرگترین زیان است و آگاه یا نا آگاه به دشمنان این ملت خدمت کرده است. از این رو کمونیست های ایران قاطعانه زینبرد بر حق و متحدانه خلق علیه امپریالیسم آمریکا حمایت می کنند و از موضع پرولتاریای ایران، که به قاطعیت و گسترش و همه جا نهدر دا نیدن این مبارزه همت میگمارند. این نبرد شرکت داشته و دارند.

مذاکره یا ...

رفسنجانی نیز در جمعشان حاضر شدند، خواسته های مطرح گردید که نکته اصلی و اولیاش این بود: ۱- مذاکره دولت با ین فقط در چهار رچوب توانین اسلامی با گروه های مسلمان و حزب دموکرات (به اعتبار اینکه قریب به اتفاق اعضای آن مسلمان هستند) بمنظور رفع ستم ملی و طبقاتی انجام گیرد. (کیهان ۲۰ آبان) و بدین ترتیب حزب دموکرات نیز اسلام آورد و به جمع پیوست !!

۳- ولی ولایت فقیه ها و لیبرالها نباید تصور کنند که با صرف ساخت و پاخت با سران حزب دموکرات، مبارزه در کردستان، بمتابه جزئی لایتنک از مبارزه در راه انقلاب دموکراتیک و فدا میریای لیستی خاتمه یافته است. به هیوجه چنین نیست! مبارزه در تمامی سطوح و در همه عرصه ها همچنان ادامه داشته و خواهد داشت. این درست است که خلق کرد، بمانند همه خلقهای ایران خواهان پایان یافتن این جنگ مشخص و تحمیلی است، و این کاملا درست است که نیروهای انقلابی و شخصیت های سر جسته ای چون شیخ عزالدین حسینی حاضر به مذاکره هستند، ولی ایین مذاکره را فقط از راه و به پیشبرد انقلاب دموکراتیک و فدا میریای لیستی در سر تا سر ایران مفید دانسته و میدانند، همچنانکه اعلام کرده اند. هیات ویژه "حسن نیت" اگر واقعا حسن نیتی دارد، اگر بفکر توطئه جینی بر علیه خلق کرد نیست، بهتر است بجای سران معلوم الحال حزب دموکرات با نمایندگان و رهبران واقعی خلق کرد و از مذاکره گردد. اگر واقعا حسن نیتی در وجود اینان یافت می شود، بهتر است به خواسته های که از جانب شیخ عزالدین حسینی و سایر نیروهای آزادیخواه و انقلابی توجه کنند و بیدانها پاسخ گویند. بهتر است مطمئن باشند که خوش خیالسی محض است که ساخت و پاخت با سران حزب دموکرات، جنگ را در کردستان متوقف خواهد کرد. خلق کرد، ایین همه خون نداد که عده ای خائن بنام سران حزب دموکرات با زندگی آنها بازی کنند!

۴- نیروهای انقلابی همیشه از تاریخ و تجربیات خویش درس می گیرند. اولاً، همه افراد و پیش بقیه در صفحه ۷



در تکثیر و پخش حقیقت ما را یاری دهید

دودوزه بازی - شعار روز حزب توده

از جلو دسته گل تکان دهید،
از پشت خنجر بزنید!

آمریکا برود، شوروی بیاید!

از رواج وحدت خلق دم بزنید،
از زیر با کودتاگران تماس بگیرید!

دو آگهی از بنگاه
حزب توده و شرکا:

برای توفیق در
مبارزه با آمریکا
۱- بردگی مسکورا
بپذیرید
۲- کمونیست کشی
راه بیندازید

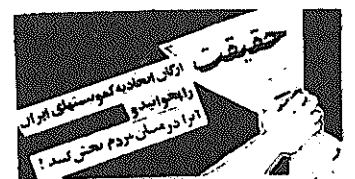
اوج گیری نبرد بزرگ مردم ایران علیه امپریالیسم آمریکا تنها پیگیری وشتاب در انجام یک تکلیف دائمی و خطیر را به دارودسته حزب توده در کشور ما یادآوری کرده است: تبلیغات ضد کمونیستی و تبلیغ ویا زاری بی برای امپریالیسم روس! در حالیکه مردم و نیروهای انقلابی و ملی واقعی به مبارزات غذا امپریالیستی خود علیه آمریکا و جناحیتکار گسترش میدهند، حزب توده نیز به مبارزات ضد کمونیستی خود و چاپ و پخش آگهی های ریز و درشت برای همسایه قدره بنده شامی گسترش میدهد و دزدکی در کنار جبهه عظیم ملت برای اربابانش جبهه میگشاید.

ای مردم! اگر میخواهید در مبارزه با آمریکا موفقیت بدست آورید به شوروی پناه آورید! قطع رابطه با آمریکا تنها با ایجا در رابطه با شوروی امکان دارد! اگر میخواهید از اسارت جناحیتکاران و اشکتستن رها نشی یا بید، به اسارت قدره بند ان مسکودر آئید! تازه ترین آگهی: "یکانه راه حل معضل گستن زنجیر وابستگی اقتصادی و مالی و بازرگانی از امپریالیسم، برقراری رابطه با دیگر کشورها"، یعنی "در درجه اول کشورهای سوسیالیستی" (دروغین) و در رأس آنها "اتحاد جماهیر شوروی"، "اسست".
نشانی: "این کشور معظم سوسیالیستی (اسم مستعار برای شوروی امپریالیستی) تمام در همسایگی

ما قرار دارد" (به نقل از "مردم" ۱۸ آذر ۱۳۵۸)
ای مردم! اینقدر بدنبال کشف ونا بودی آشوبگران وایادی واقعی استعمار، که میکوشند نبرد بزرگ کنونی شما را به انحراف بسه کشانند و با از درون با تفرقه و شکست مواجه سازند، نشاید! بویژه به عنان مرکودتاجی و ایادی مورد نظر دولتین، که روزی بدرشان، می-خوردند، کاری نداشته باشید! دشمن اصلی شما "ماژونیت ها" (اسم مستعار برای کمونیستها) هستند! با بدیای آنها را از جبهه نبرد قطع کرد و بجای جاسوس کشی، کمونیست کشی (یا به زبان لوتری حزب توده،

ماژونیت کشی) راه انداخت! تازه ترین آگهی:
"راستی در این شرایط، که امپریالیسم آمریکا خود را زیر ضربه میبیند، "چه باید کرد؟" ... امیر یا لیسم آمریکا... برای باز کردن این گره، که مرگ و زندگی در ایران بسته به چگونگی با زدن آنست، به این جواب میرسد: پس این انقلاب بی های دو آتش (یعنی کمونیستها، که حزب توده با اسم مستعار "ماژونیتها" معرفیشان میکنند) برای چه موقعی تربیت شده اند؟ وقت است که وارد میدان شوند!" (به نقل از "مردم"، ۱۸ آذر ۱۳۵۸).
بعبارت دیگر، ایادی و تربیت شدگان امپریالیسم آمریکا سرمایه داران وابسته و دلال، فراماندهان مزور ارتش و ساواکیها، که تاکنون چندتایشان سر از حزب توده در آورده اند، و غیره نمیباشند بلکه گروههای کمونیستی در کشور ما هستند. پیام حزب توده: برای مبارزه با آمریکا، کمونیستها را بگیرید! کمونیست کشی یعنی مبارزه با آمریکا! اینست یکی از شعارهای روز حزب توده!
خواننده قضاوت کند که آیا اعمال آمریکا یا اعمال روس، کدام یک میخواهند کمونیستها را بلاگردان امپریالیسم جناحیتکار آمریکا شکی که زیر ضربه است، گردانند؟ بدیده ما، هر دو!

در تکثیر و پخش
حقیقت
ما را یاری دهید



دودوزه ...

دروغ و فریبکاری حربه‌ای موثر در مبارزه با کمونیسم

"مردم"، ارگان دارودسته حزب توده در شماره ۱۹ آذر ۵۸ خود در مقاله‌ای زیر عنوان "حزب جمهوری خلق مسلمان در کدام جبهه قرار دارد؟"، ضمن افشای ظاهری حزب جمهوری خلق مسلمان و شرکت این حزب در وقایع تبریز ناگهان لیه تیز حمله خود را متوجه کمونیست‌ها و مشخصاً اتحادیه کمونیست‌های ایران گردانیده و آنها را هم‌ردیف با حزب ناپسندیده‌ها دانستیم. "مردم" می‌نویسد: "حالی نیست که چپ افراطی و گروه‌های ما توطئه‌های (امطلاحاتی که توسط بورژوازی بین المللی و بویژه فاشیست‌های آمریکایی به جنبش‌های کمونیستی اطلاق شده و مشترکاً توسط زما فدائیان کرملین و ایادیشان نیز یکبار برده می‌شود) نیز بزعما و اعضاء انقلابی‌های خود در حقیقت دسر نای آزادی‌های محسود بورژوازی وابسته می‌دهند"، و اینکه می‌خواهند آمریکا را از زیر ضربات خارج کنند!

برای اثبات این اتهام جعلی، "مردم" ناچارانرا به نقل قول خارج از متن از ارگان سازمان ما، که حاکی از مخالفت ما با قانون اساسی تحمیلی است، آورده سپس با گذاردن آن در کنار نقل قول‌هایی از "خلق مسلمان" و گروه "حزب کمونیست کارگران و دهقانان"، که همه از موضعگیری مخالفت آمیز و تخطئه‌گرانه این جریان‌ها در برابر تصرف لانه جاسوسی آمریکا و نبرد ضد امپریالیستی مردم است، این نکته را می‌خواهد به خواننده افشاء کند که گویا ما و سایر کمونیست‌های واقعی ایران با آن جریان‌ها هم‌اوا می‌باشیم. نویسنده فریبکار روزنامه "مردم"، که بشیوه تفتی زاده ملعون در زمان انقلاب مشروطه مخالفت ستارگان و مجامع

هدان تبریز را با حکم تحمیلی و تفرقه افکنی‌های احزاب سیاسی بعنوان مخالفت با انقلاب جا می‌زد و چنانکه میدانیم بین جاسوس انگلیس نقشی اساسی در منفرد ساختن و خلع سلاح و نابودی مجاهدان راستین انقلاب مشروطه داشت، مخالفت ما را با قوانین تحمیلی و حرکت‌های ارتجاعی و زیانمند بحال انقلاب بعنوان مخالفت با انقلاب و نبرد کثرتی ملت با امپریالیسم آمریکا قلمداد می‌کنند. حال آنکه نویسنده مکار حزب توده در همان شماره‌ای از نشریه، ما، که مخالفت ما را با قانون اساسی مشاهده کرده، یعنی "حقیقت" ۲۹ آبان ۵۸، در سرمقاله و در همان سطر اول بروشنی موضعگیری‌ها را خواهاه‌ما را در قبال تصرف جاسوس‌خانه آمریکا و نبرد ضد آمریکایی ملت دیده و خواننده است. در سرمقاله همان شماره از نشریه ما زیر عنوان "اکنون نوبت آمریکا است" آمده است که "این شعار این مرحله از مبارزات دلیرانه مردم ما برای آزادی و رهائی ملی است. نبرد ضد امپریالیستی مردم ایران، که با اشغال جاسوس‌خانه آمریکا توسط "دانشجویان مسلمان بی‌روخت امام" تکان بزرگی بخوردید، با هدف قرار دادن شیطان بزرگ آمریکایی جنایت کار، نشوونامی ۳۷ سال رژیم اختناق و کشتار روخیا نت محمدرضا شاه، اوج می‌گیرد و به پیروزی‌های تازه‌ای میرسد... الخ!"

برخلاف گروه دروغ‌زن و فریب کار حزب توده، که در جریان مبارزه ضد امپریالیستی ملت تمام فکر و ذکرش را تبلیغ بی‌نتیجه امپریالیسم روس و برادرانداختن کارزارهای ضد کمونیستی فرا گرفته، اتحادیه کمونیست‌های ایران از ابتدا هم‌دوش مردم قهرمان خود در نبرد بزرگ ضد آمریکایی کثرتی شرکت داشته و چه با تبلیغات و چه با شرکت در سازمان دادن نظارات، در حد امکان و توان فعلی خود، به گسترش این نبرد و جلب توده‌بیدان پاری رسانده است. و با زیرخلاف گروه دودوزه باز و فریبکار حزب توده که ما در این به روش این گروه در قبال "خلق مسلمان" و رهبران و حامیان آن نیز اشاره خواهیم کرد، اتحادیه کمونیست‌های ایران نخستین سازمانی بود که طی مقالات متعدد به وجود جریان‌های مشکوک و طرفداران بختیار خاشاک و غیره در صفوف مطبوعات و گروه‌های لیبرال اشاره کرد و در باره آنها در همان اولین ماه‌های برقراری حکومت خمینی هشدار داد.

یک پام و دو هوا هم اینطرف هم آنطرف

دارودسته حزب توده در ارگان خود در تهران به افشای موضع و حرکت حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان می‌پردازد و توطئه اشغال رادیو - تلویزیون و مراکز دولتی در تبریز را، که با سودجویی از نارضایتی‌های مردم و تحریکات برخی مخالف حاکم صورت گرفت، بعنوان ضد انقلاب محکوم می‌کند؛ ولی در همان حال در تبریز، کمیته ایالتی حزب نامیرده، یعنی فرقه دموکرات آذربایجان، با توطئه‌گران اعلام همبستگی می‌کند و آنها همبستگی با خلق مینامند. در نشریه "خلق مسلمان" (۱۸ آذر ۵۸) که وقایع تبریز از دیدگاه حزب جمهوری خلق مسلمان توجیه و تفسیر شده، می‌خوانیم:

"یکروز بعد از آنکه فرقه دموکرات آذربایجان پوسته‌هایش را در همبستگی با خلق آذربایجان (بخوانید: با توطئه‌گران "خلق مسلمان" و هم‌دستانشان) در تبریز به درویدوار نشانند، کمیته مرکزی حزب توده اعلامیه در مخالفت با مردم آذربایجان (یعنی: در مخالفت با همان‌هایی که کمیته ایالتی نشان موافقت کرده) انتشار داد."

باز هم یادآوری می‌کنیم که فرقه دموکرات آذربایجان طبق گفته خودشان و اسناد حزب توده همان کمیته ایالتی حزب توده در آذربایجان می‌باشد. حال از خواننده سؤال می‌کنیم: اگر این دودوزه‌بازی یا بازی دوطرفه نیست، پس چیست؟

حزب توده در تهران، که با سعی وافر خود را به مقامات حاکم می‌چسباند و جای در آن بالابرای خود جستجو می‌کند، به حزب خلق مسلمان مبتلا زد و به دروغ کمونیست‌ها را به دمیدن دسر نای این حزب و حامیان آن متهم می‌کند، ولی این روزنامه جی‌های حزب توده در تبریز (روزنامه "آذربایجان") بودند که حدود دو ماه قبل به هنگام توقیف روزنامه‌شان دست به دامان همین حزب جمهوری خلق مسلمان شدند و با تعلق به آن حزب الهه شریعتمداری و رهبران این حزب از آنها همراهی و پشتیبانی طلب کردند. اکنون کی در کدام سرسنتا

میدمد؟!
روش دودوزه‌بازانه دارودسته حزب توده و بازی دوطرفه رهبران این حزب، که از یکسو با آیت الله خمینی و مخالف حاکم، مادامکما هستند، مغایرانه می‌کنند و از سوی دیگر با تمامی جریان‌های مخالف، صرف نظر از ماهیت و علت حرکتشان، وارد زد و بند می‌شود در تمامی این دوره چندین ماهه پس از سرنگونی رژیم شاه هویدا است. این سیاست مکارانه بازی از سیاست مکارانه امپریالیسم روس در قبال رویدادهای ایران است، که به کمک ایادی و شوکران خود تنها بدنیا لسط جا پای‌های خود در کشور ما و نفوذ در تمامی مراکز قدرت در کشور ما می‌باشند. اتحادیه کمونیست‌های ایران با رهبران این سیاست مودبانه و خطرات آنرا برای انقلاب ایران افشاء ساخته و باز هم افشاء خواهد ساخت. همین سیاست را ایادی شوروی امپریالیستی یعنی حزب توده در قبال مسئله کردستان نیز در پیش گرفت؛ از یکسو در لگوی حزب دموکرات (که هم‌مدست حزب توده است و هم یک جناح توده‌ای روشن دارد) یورش دولت را به کردستان منتسب به امپریالیسم آمریکا و صهیون-نیسم می‌کرد و از سوی دیگر مرکز حزب توده در تهران از زبان آقای کینانیزی نیروهای درگیر در جنگ مقاومت کردستان را منتسب به امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم می‌کرد (نگاه کنید به کنفرانس مطبوعاتی کینانیزی پس از قانونی شدن نشریه و دفتر حزب در تهران) دلیل این حرکت دورویانه خلیسی روشن است: در کردستان با آن روش بهتر میتوان قدرت بدست آورد؛ ولی در تهران با آن روش بهتر میتوان در قدرت نفوذ کرد. هم اینطرف، هم آنطرف اینست معنای مبارزات گویا ضد امپریالیستی حزب توده!

بقیه در صفحه ۱۰

منتشر کرد

اتحادیه کمونیست‌های ایران

بحث در مسئله ارضی

پاسخی به نقد

تیمار زین راه آرمان کارگر

بها ۳۰ ریال

آذر ۵۸

گردستان...
این مهرماه ها مکانات بیشتری در اختیار دانش آموزان گذاشت.
برخلاف رهنمود "حزب دمو - کرات گردستان" که دانش آموزان را دعوت به بایکوت کردن مدارس کرده بود، محصلین مبارزه به مدارس رفتند. مینتها نه برای صرفا درس خواندن بلکه برای هرچه بیشتر تشدید کردن و متشکل کردن مبارزه سیاسی. تظاهرات ها، راهپیمایی ها و میتینگ ها ئی که دانش آموزان نیروی عمده آنرا تشکیل میدهند به اندازهای زیاد است که ذکر همه آنها در این مختصر میسر نیست.

سقز: روز اول مهر دانش آموزان به مدارس رفتند و شروع به شعار دادن و سرود خواندن کردند. پاسداران وارد مدارس شدند و در حدود ۲۰۰ نفر را دستگیر کردند. روز ۳/۷/۵۸ دوباره تظاهرات شد. اشغالگران شلیک کردند و یک نفر زخمی شد. عده زیادی را گرفتند و به پای دکان بردند. دانش آموزان را در پای دکان شکنجه کردند. روز بعد دوباره تظاهرات شد. روز ۷/۷/۵۸ با زهم تظاهرات وسیعی برگزار شد. عده زیادی از محصلین با زدا شد. روز بعد ۷/۱۰/۷۷ دانش آموزان دوباره تظاهرات کردند و تقاضای آزادی دانش آموزان دستگیر شده را کردند. کسبه و بازاریان نیز به آنها ملحق شدند. وقتیکه دانش آموزان آزاد شدند، اظهار داشتند که شکنجه شده اند. در مبارزات روز ۱۵/۷ (چهارم شهدای سقز) دانش آموزان و جوانان نقش برجسته ای داشتند (به بیش ۵ - مبارزات سیاسی مراجعه شود). در اواخر مهرماه وضع از این قرار است که قبل از رفتن به کلاسها سرود ملی - "کشی ره قیام" و سرودهای مبارزاتی دیگر خوانده میشود و پاسدارهای مبارزاتی به کلاس میروند. عصرها هم تعطیل مدرسه به تظاهرات منجر میشود (معمولا ساعت ۶ در فلکه هلو) دانش آموزان دبیرستان رشوف در یکی از این تظاهرات خواستار برگشت معلمین، دکترها و پرستارهای تبعیدی شدند. روز ۲۳/۷ تظاهرات دیگری از دبیرستان رشوف شروع شد.

در نزدیک فلکه یکنفر ارتشیی به تظاهرات کنندگان گفت که متفرق شوند و سرودش عزالدین را نخوانند. او با اسلحه کمربند تیراندازی هوایی کرده در نتیجه مردم به او حمله کردند و او را شیدید مضراب نمودند.

مهاباد: دانش آموزان مهاباد نیز مانند سقز مدارس را بحرمان مبادارزه تبدیل کرده اند. مدارس از روز اول مهرماه به محل تجمع و تشکل برای تظاهرات تبدیل شد. جنبش دانش آموزان و جوانان - نمان در مهرماه گسترده تر و متشکل تر شد. جنبش دانش آموزان در گردستان جنبش کلاسی سیاسی و آگاهانه است. شعارها ئی که دانش آموزان مطرح کرده اند شعارهای عام جنبش مقاومت است که خواستار اخراج نیروهای اشغالگر، خودمختاری و ایرانی آزادی و دمکراتیک است. شعارهای صنفی محدود به برگشت معلمین و محصلین تبعیدی است. هم دانش آموزان و هم سا یربطقات واقشا رمتوجه اهمیت جنبش دانش آموزان و جوانان شده اند. این قشرا گاه علاوه بر شرکت در مبارزات سیاسی در حمله و ضرب زدن به نیروهای اشغالگر در شهر نیز فعالیت چشمگیری داشته اند. دانش آموزان به شرکت مبارزه خستگی ناپذیرشان و پشتیبانی سا یربطقات و رعرصه مدرسه را از نفوذ حکومت مرکزی پاک کرده اند. معلمین مبارز و آگاه نیز راه پر- افتخار صمدبهرنگی را ادامه میدهند. عده ای اسلحه بدست و پیشمرگ شده اند. عده ای هنوز در مدارس هستند و بمبارا رزه سیاسی و روشنگرانه کمک میکنند. رژیم حاکم بسیاری از معلمین مبارز را برکنار و عده ای را تبعید کرده است.

۳ - جنبش زنان
در دوره قبل از حمله به گردستان، جنبش زنان رشد چشمگیری داشت. در سقز و سقز مبارزه متشکل - تربود و سازمان زنان تاسیس شد. در مریوان (در اردیبهشت) هنگامیکه "قیاده موقت" و فتوایها شهر را محاصره کردند و برای تسلیم شهر و خلع سلاح مردم ولتیماتوم دادند تظاهرات دختران دانش آموزان نقش مهمی در بسیج مردم بویژه کسبه و بازاریان ایفاء کرد. در راهپیمایی مردم سقز به مریوان نیز قریب ۲۵۰ نفر فعالانه در این مبارزه شرکت کردند. یک روز بعد از فرمان حمله خمینی به سقز در حدود ۲۰۰ نفر از

زنان مبارز سقز در محل استان - ری و بعدا دادگستری تحصن کردند و به اشغال گردستان و دستگیری و اعدام مبارزین اعتراض کردند. پاسداران ضدا نقلابی در اولین روز تحصن تیراندازی هوایی کردند اما تحصن همچنان ادامه یافت. روز ۲۷/۶/۵۸، زنان سقز تظاهرات را تیرا کردند و خواستار خروج اشغالگران از گردستان شدند و شعارها ئی به طرفداری از شیخ - عزالدین و علیه دولت کنونی دادند.

مردم سقز جلوی ستون ارتشی را که شامل تقریبا ۳۱ خودرو بود گرفتند و روز اول آنها را عقب راندند. زنان و نوجوانان نقش فعالی در این مبارزه ایفاء کردند. اندکی پیش از آنها جم - ارتش و پاسداران به مهاباد علامیه - ای (تا ریخ ۵۸/۶/۱۰) از طرف "گرو - هی از دختران مبارز مهاباد" منتشر شد که در آن بخشا آمده است:
"هم اکنون از تش و پاسداران بسوی مهاباد در حرکتند تا همانند ما و وسقز جنگ خونینی را با ما تحمل کنند. اینان به خیال خویش میپندارند که برای انقلاب میجنگند اما به یقین با - یددانست که آنها تنها نمایندگان واقعی خلقها نبوده و مشتی فریب خورده اند که آلت دست ارتجاع و در نهایت امیریا - لیسم گشته اند. حال که این کوردلان میپندارند به قدرت اسلحه میتوانند به نیروی خلق قیام آییند بگذار درس بزرگی بگیرند. زیرا مبارزه خلق ما اگر چه نتواند به ناپودی کامل اینان منجر شود، نشان خواهد داد که میتوانند دشمن را وادار به بیهوشی گزافی برای این ما نورهای فاشیستی سازد و این خود پیروزی بس بزرگی است. خلق ما با مقاومت در مقابل دشمن نشان خواهد داد که با همه قات خویش در برابر هر گروهی که مستحق خواهد بود از خود ستم دیده است و ستم دیده ترین خلقها انقلابی ترین آنها هستند."

"روزی بی شک مبارزه حق - طلبانه خلق ما در ارتباط ناگسستن با مبارزه همه ستمکشان و زحمتکشان میهن، بخصوص طبقه کارگران انقلابی ایران بطور کامل بساط این دست - نشانندگان و فریب خوردهگان امیریا - لیسم را برخواهد چید."
زنان گردستان چه قبل از قیام بهمین ماه و چه بعد از آن بارها پتانسیل انقلابی خود را برای ایفاء نقش واقعی خود در مبارزه نشان دادند. تجربه انقلابی ثابت کرده است که "هر آنچه مردان میتوانند انجام دهند زنان نیز میتوانند". اما امروز زنان گردستان با بپای مردان در همه سطوح در مبارزه شرکت

ندارند. مثلا در رهبری سازمان ها و گروه های سیاسی نیستند و یا دسته های پیشمرگه زنان وجود ندارد. این عقب ماندگی نمیتواند صرفا ناشی از روابط تولیدی و اجتماعی باشد زیرا این روابط در همان عقب - مانده ترا ز گردستان بود در حالیکه در آنجا در حدود ۴۰٪ زنان در جنبش شرکت داشتند. عقب ماندگی در اینجا نیز بیشتر ناشی از دنیا لروی جنبش سیاسی از جنبش خود بخودی است.

۴ - مبارزات کسبه و بازاریان
کسبه و بازاریان در جریان حمله دولت و اشغال شهرها با تعطیل کردن دکان و بازاریا شرکت در تظاهرات و راهپیمایی در جنبش مقاومت شرکت داشته اند. بیشتر کسبه و بازاریان گردستان دارای سرمایه بسیارنا چیز هستند و در واقع اقتصاد دی بحران زده کنونی در آمدشان اندک است و مدارس و خطر ورشکستگی هستند. در مهرماه کسبه و بازاریان مهاباد از هر جای دیگر قاطعانه تر در مبارزه شرکت داشتند. در روزهای اول اشغال شهر، دکان و بازاریا کلا تعطیل بودند و تنها روزی یکبار به مدت یکی دو ساعت برای رفع احتیاجات مردم دکانها را باز میکردند. ضمنا از فروش به اشغالگران مخصوصا پاسدارها و "مجاهدین" خودداری می - کردند. اشغالگران به منافزه حمله میکردند و عکس سید عزالدین حسینی را پاره میکردند و میخواستند عکس خمینی را پاره - سرنیزه بردیوا منافزه ها نصب کنند. دکانها را بمقاومت برخاستند.

۵ - مبارزات سیاسی
در جریان حمله رژیم به شهر - های گردستان تنها در پاره وسقز و در حومه مهاباد مقاومت شکل مسلحانه بخود گرفت. شروع مقاومت کلا خود بخودی بود و سپس نیروهای مسلح سازمان های سیاسی وارد کارزار شدند. بیشتر سازمان های سیاسی معتقد بودند که برای "حفظ سکنه شهرها" و "جلوگیری از کشتار مردم توسط اشغالگران" باید از جنگ در شهر خودداری کرد.
در همه شهرهای اشغال شده مبارزه سیاسی در سطح وسیع در گرفت. بیشتر این مبارزات خود بخودی بود و سازمان های سیاسی نقشی در برنا - مهریزی و اجرای آنها نداشتند. در زیر خلاصه ای از مبارزات مهرماه ذکر می - بقیه در صفحه ۹

نردستان...

چند روستای زخمی شدند. اواسط شهریورتا واخرمهر به توپ بستن دهات منطقه "گوره مهر" بطور مداوم مخصوصا شبها از ساعت ۷ بپسند و در طول روز نیز از های هلی کوپترها و تیراندازی در دشت "مردوئای" و منطقه "گوره مهر".

۵۸/۷/۳ - حمله هلی کوپترها به دهه "بنوخلف" (منطقه سردشت) با راکت و مسلسل های کالیبر ۵۰ که خسارات زیادی وارد شد و اهالی ده روز بپسند برای اعتراض و درخواست پرداخت خسارت به شهرهای سردشت رفتند.

۵۸/۷/۱۰ - ارتشیان و پاسداران مستقر در "ترککش" برای چندمین بار دهات اطراف را با توپ و تانک و هلیکوپتر مورد حمله قرار دادند.

۱۶ - ۵۸/۷/۱۵ - به توپ بستن منطقه "خدرئای" توسط نظامیان و پاسداران مستقر در "شیوه میر".

۵۸/۷/۱۹ - حمله ۶ هلیکوپتر به دهات منطقه "دوله توی" (سردشت). هفت نفر (۲ زن و ۵ کودک) زخمی شدند. تعدادی منازل فروریخت و مقدار زیادی محصولات زراعتی از بین رفت.

۵۸/۷/۲۰ - ساعت ۴ بعد از ظهر هلی کوپترها به قریه "باریکا" (منطقه گورک) حمله کردند و زنان و پسران مردان بیدفاع را مورد آذیت و اهان قرار دادند و ۱۱ نفر را دستگیر و با خود بردند.

۵۸/۷/۲۱ - ساعت ۷/۳ صبح "مجاهدین انقلاب اسلامی" با هلیکوپتر در روستاهای "شندره"، "سوسه کله"، "ودار" ساوین" پیدا شدند و در خانه ها را شکستند و به آذیت و آزار مردم پرداختند آنها ۲۲ نفر از مردم زحمتکش ۳ روستا را با خود بردند.

۵۸/۷/۲۲ - پاسداران ضد انقلابی به روستای "نستان" (منطقه سردشت) حمله کردند. مردم مسلح ده در مقابل اشغالگران قهرمانانه مقاومت کردند. متجاوزین با ۵ کشته و تسعادی زخمی عقب نشینی کردند. یک نفر از دهقانان زخمی شد.

۵۸/۷/۲۳ - اشغالگران ساعت ۸ صبح در اطراف قریه "سی سیر" پیدا شدند و به هجوم بردند. دهقانان تا آخرین فشنگ به دفاع برخاستند و بعد مجبور

شدند عقب نشینی کنند. پاسداران به زن و بچه و پیر مردان نیکه در ده مانده بودند توهین و آزار رفتار و ان کردند. آنها به غارت و دستبرداری ناچیز دهقانان دست زدند و سپس ۱۲ نفر از اهالی را از پیر مرد دهقانان له تا کوبدک ۱۲ ساله با خود بردند.

۵۸/۷/۲۹ - حمله هلیکوپترها به قریه "باساوی". مهاجمین عده ای از زنان و کودکان را با خود بردند.

تیراندازی به چوپانان و احشام توسط هلی کوپتر (توپ)

۵۸/۶/۱۱ - عده ای از دامداران از بیلاق برمیگشتند و توسط یک هلی کوپتر مورد حمله قرار گرفتند. سه نفر بقتل رسیدند (پیزوت محمد رستم، شورش و حسن رسولی). دامداران به دفاع برخاستند و هلی کوپتر مورد اما بت گلوله واقع و گویا سرنگون شد نیمه دوم شهریور - کشتار ۱۶ راس گوسفند در اشغالگران با بت گلوله توپهای ارتشی مستقر در قریه "ترککش". کشتار ۱۷ راس گوسفند و بزرگ طراف "قه" - لهره شه" در منطقه "بیوران" (سردشت) و اواخر شهریور - از بین رفتن ۱۴ راس دام در اشغالگران با بت گلوله توپ به قریه "باساوی" (منطقه سردشت)

۱۶ - ۵۸/۷/۲۱ - کشتار ۲۰ راس بز گوسفند در حمله هلیکوپترها به قریه "شندره". در نتیجه وحشیگریهای اشغالگران بسیاری از روستایان منطقه سردشت، پیرانشهر، بانسه، مریوان، ویا و به عراق پناهنده شدند. در این مناطق دامداری بر کشاورزی تفوق دارد و بسیاری از پناهندگان با دامهای خود به عراق رفتند بطوریکه قیمت گوشت و بعضی محصولات دامی در مناطق مرزی عراق از آن و در ایران گران شد. مردم آواره در عراق وضع اسفناکی دارند.

رژیم ارتجاعی باعث دشمنی خود را با خلقهای عراق بویژه خلق کرد با رهانشان داده است آوارگان را در اردوگاهها جمع کرده و شرایط زندگیشان بسیار سخت و تحملناپذیر است. در هفته آخرمهر ماه در اردوگاه واقع در "پیمان لکی" (نزدیک قه لادزه عراق) به آوارگان گفتند که آنها را به جنوب عراق (منطقه عرب نشین) تبعید میکنند. در حدود ۱۵۰ خانوادها مخالفت کردند و گفتند که به ایران بازمیگردند. عده زیادی از پناهندها را از هم اکنون با کامیون به "چار قورثی" منتقل کرده اند.

وحشیانه ترین اعمال رژیم در دهه "قارن" (منطقه نقده) صورت گرفت. پاسداران وحشی اهالی ده را قتل عام کردند تا ثابت کنند که دولتشان از صهیونیستهای اشغالگر فلسطین کمتر نیست و مانده آنها می تواند "دیربیا سین" ها بوجود آورد.

پاسدارها سعی کردند کشتار "قارن" را تکرار کنند اما در دومین قریه "کا" نی ما سهیدی" با مقاومت مسلحانه دهقانها روبرو شدند و شکست خوردند. سیاستها و اعمال رژیم حاکم بیشتر از همه بسود فئودالها است. ما لیکین ظالم که در اشغالگری جنبش دهقانی در بستر مرگ بودند. با حمله رژیم، جانی دوباره گرفتند و شروع به جنب و جوش کردند و تاجا وزو تعدی را تشدید کردند. البته باید اشاره کرد که شکست رژیم در شهرها این ماه عمل فئودالها را بسیار کوتاه و غمناک کرد.

سیاست کشتار و سرکوبی رژیم، جنبش دهقانی را بیشتر از هر زمان بطرف مبارزه مسلحانه سوق میدهد. بعد از کشتار "قارن" روستایان جلگی میگفتند که با عدم صلح بسود والا بسرنوشت "قارن" دچار میشویم. این تاجا و زوحشیا نه رژیم دهقانان را آگاه تر کرده است. رژیم برنج و روغن و قند و چای توسط پاسداران (دریوش "چا دسا زندگی") به چند قریه فرستاد. اما دهقانان با وجود فقر و تنگدستی از قبول آن خودداری کرده اند. با وجود این پیشرفتها، جنبش دهقانی کمبودهایی دارد که در اساس ناشی از عقب ماندگی جنبش سیاسی (حزب و سازمانهای سیاسی) است. جنبش دهقانی در گذشته بیشتر درگیر مبارزه اقتصادی بوده و تا حد زیادی از مبارزه سیاسی محروم بوده است. قطع فعالیت اتحادیه های دهقانی در شرایط جدید و عدم پشتیبانی سیاسی فعلا ندهات از مبارزات شهر در دو ماه اخیر نشانها. اشغالگران از عقب ماندگی جنبش دهقانی است. راهپیمایی مردم دهات بسوی شهرها در روز عید قربان اولیسن پشتیبانی سیاسی دهقانان از مبارزات شهر است.

۲- جنبش دانش آموزان و جوانان

دانش آموزان کردستان زیا منتظر با زدن مدارس در اول مهر ماه نبودند زیرا بحض شروع حمله دولت، آنها بمتنا به یک نیروی آگاه و مبارز همراه با پراکشا مردم در شهرها به

تظاهرات و راهپیمایی دست زدند و عده زیادی هم اسلحه بدست روانسه روستاها و کوهستان شدند. با وجود بقیه در صفحه ۱۰

دست دزدان...

نیساری در آورده اند. ضمنا با پیدا ضافه کرد که افرادی مانند جودت و کیانوری خائن مسئولیت بزرگی از با بت لو رفتن سازمان افسران تسویه ای دادند و امروز با پیدا وان خون شهید را بدهند.

اگر امروز افسران شهید زنده بودند به این سران خود فروخته و شرافت با خسته حزب توده، که همچنان در مان آلوده و پرتنگ خود را به دامن پاک شهیدان میسایند، لعنت میفرستادند و آنها را در دریمه محاکمه میکشادند. همچنان که بسیاری از با زمانندگان سازمان و همزمان افسران شهید به این سران و دزدان بی آبروی سنت شهیدان لعنت می فرستند و هرگز هم پیمان آنها نشده و نخواهند شد. ما انتظار داریم که این با زمانندگان و همزمان واقعی شهیدان ما جدای اعتراض خود را به این دزدان بی آبرویی با کانه و هر چه رسا تر بگوش طبقه کارگر و خلق ما برسانند و از حقیقت و زسنت و حیثیت پدارن شهید ما پاسداری کنند!

در باره گروه...

شبهای شعرو سخنرانی و شعرخوانی افراد مترقی و لیبرال نویسنده و شاعر می شود تا به تریش قیای محافل حاکمه بر نفوذ و حزب توده بتوا ندکسب وجهه و مقامی در انظار محافل حاکمه کند. انگیزه این خرابکاری آقایان نویسندگان و شعرا نیز از همین دنباله روی کورکورانه از حزب توده ناشی میشود.

آخرا این چه نوع هنرمندی است که به وظیفه مردمی آگاه هگرانهاش در حفظ و حراست از دستاوردهای انقلاب و فرهنگ انقلابی پشت به مردم میکنند و آنها را لایق آن نمی دانند. آخر هنرمندی که در مقابل سانسور ساواک به حداقل مبارزه ای هم دست میزد، چگونه مقام خود را برای کسب وجهه و مقام - با سکوت خود میفروشد.

آیا این هنرمند خلقی است؟ ویا تکند بقول کسراشی همان "سگ رام" مثنی خیا تنگنا شده است. خلق ما از این نوع هنرمندانیکه هنرشان در خدمت زورمندان و مشرعه چپان قرار گیر و برای کسب وجهه و مقام قلم بفرسایند، نمی خواهد!

گردشگاه مهر ۵۵: یک ماه حماسه و مقاومت

دست دزدان از نقش شهادت کوتاه

در این دو ماهه مهر و آبان با درودسته مزدور حزب توده مجالس با دیودی در به اصطلاح بزرگداشت بیست و پنجمین سال شهادت افسران توده ای در تهران و برخی شهرهای دیگر برگزار کرده و از این رهگذر برای خود اعتبار و آبرو جمع آوری میکنند. ولی بازی با نام افسران توده ای و چسباندن خود به شهیدان طبقه کارگر و مردم ما توسط موجودات مزدور و بی آبرویی که به راه آنان، سنت آنان و خلق آنان خیانت کرده اند و حتی مسئولیت لورفتن آنان و نابودی آنان را بدست حکومت کودتا به گردن دارند، و امروز نیز برای بیگانگان قاشیست و تیشه زدن به ریشه آزادی و استقلال میهن ما فعالیت میکنند، توهین بزرگی به مردم و فرزندان راستین و به خودن خفته مردم ما است. سازمان نظامی مخفی وابسته به حزب توده ایران، که با خون دل و کاردانی عمده ای از بهترین انقلاب

بیون ما و بدون همکاری و با وجود کارشکنی سران فرست طلب و فاسد حزب در آن زمان بوجود آمده بود، پس از کودتای شاه - آمریکا در سال ۱۳۳۳ لورفت و تصاددی از اعضای این سازمان بدام افتادند. دهها تن از ایشان دلیرانه در برابر جوخه اعدا از مرا موخلاق خود دفاع کردند و شهادت نوشیدند و بسیاری نیز در سیاهالهای تاریک و سرد محمد رضا شاه وفاداری خود را به مردم و آزادی و استقلال ایران حفظ کردند. برخی از اعضای سازمان نظامی نیز توار نیستند از مپلیس حکومت کودتا به گریزند و به کشورهای شرقی اروپا و روسیه شوروی بروند. ولی در آنجا ها نیز آنها می که به مردم موخلاق و میهن خویش وفادار ماندند گرفتار تعدیات و زورگویی های پلیس حکومت خروشچی - برژنفی شدند. از همان نوع کارهایی که بر سر رفیق شهید بقیه در صفحه ۱۱

آنچه در زیر میخوانید مجموعه گزارش گونه ایست از مبارزات و رویدادهای کردستان در مهرماه که در بخش های مختلف تقسیم بندی شده است و علیرغم نارسائی ها که دارد بویژه در شرایط کنونی که عده ای میکوشند شرافت انقلابی خلق کرد را دور میزهای مذاکره بفرروشند بیانگر گوشه ای از مقاومت قهرمانانه خلق کرد میباشد.

این اخبار در مناطق شمالی کردستان جمع آوری و نوشته شده است. از خبرنگارهای "دفتر سپید عزالدین حسینی"، "سازمان انقلابی زحمت کشان کردستان" و "حزب دموکرات کردستان" نیز استفاده نیز شده است. برای اینکه اخبار بتوانند تصویر دقیقتری از وضع کنونی جنبش خلق کرد بدست بدهد آنرا از حالت پراکنده در آورده و در چند بخش تنظیم کرده ایم: ۱- جنبش دهقانان، ۲- جنبش دانش آموزان و جوانان، ۳- جنبش زنان، ۴- مبارزات کسبه و بازاریان، ۵- مبارزات سیاسی، ۶- مبارزه مسلحانه

۱- جنبش دهقانی

با وجود اینکه حمله دولت به کردستان از شهرها شروع شد و به مناطقی که مرزی کشیده شد اما کنترل دهات کردستان از اهداف مهم رژیم است. بیشتر از ۷۰ درصد جمعیت کردستان روستا نشینان هستند و اقتصاد شهرهای کردستان وابستگی های زیادی به دهات دارد. ضمناً دهات عرصه مهم جنگهای پارتیزانی است. برنا مه رژیم ابتدا اشغال شهرها و آنگاه کنترل مرز و سپس تسلط بر دهات است این برنا مه در مرحله اول (کنترل شهرها و مرز) با شکست مواجه شد بطوریکه در صورتیکه مبارزه ادامه یابد بدست ما نیروهای اشغال گرد آینه شده نزدیکی مجبور به ترک شهرها خواهند شد. در این شرایط، فشا رژیم بر دهات عمدتاً در مناطق مرزی (سردشت پیرانشهر، بانه، مریوان، پاوه) و دهات اطراف شهرها وارد شده است.

در چند ماه قبل از حمله دولت به کردستان کانون جنبش دهقانان ایران بود. برای اول بار در ایران دهقانان برای کسب زمین و آب و دفاع از حقوق خود، شوراها و اتحادیه

دهقانان علاوه بر پیشمرگه شدن، به اشکال گوناگون در جنبش مقاومت شرکت دارند، بسیاری از خانواده های شهری (در سقز، بوکان، مهاباد، سردشت) که برای مصون ماندن از حملات وحشیانه اشغالگران شهرها ترک کرده به روستاهای اطراف شهر رفتند. دهقانان به کمک آنها شتافتند. هزاران پیشمرگه که در کوهستان و اطراف شهرها در حال مبارزه هستند بدون کمک بیدریغ دهقانان قادر به ادامه فعالیت نیستند. روستائیان که خودشان فقیر و تنگدست هستند دفاع لانه خوراک و دیگر

نیاز زمندیهای پیشمرگه را تامین میکنند و دهات را بصورت خانه و مسکن آنها در آورده اند. دهقانان، بخصوص در مناطق ذکر شده، اسلحه خود را تحویل دولت نداده اند و توطئه "خلع سلاح" با شکست کامل مواجه شده است. در درگیریهای نزدیک به دهات، دهقانان از زن و کودک و مرد بکمک پیشمرگه ها میشتابند.

رژیم حاکم در دهات مرز نشین و اطراف شهرها مساهمت خود را در برخورد به روستا نشینان به خوبی نشان داد. چند نمونه:

حمله به مردم ده اواخر شهریور - تیراندازی با توپ به قریه "باساوی" در منطقه سردشت. بقیه در صفحه ۱۱

خبراً در مطبوعات روز خوانده شد که چند تن از نویسندگان و شعرائ معروف مانند فریدون تنکا بنسی، سیاوش کسرا و... بدلیل یک رشته اختلافات از کانون نویسندگان ایران بریده و اعلام استقلال کرده اند. گروه تا میرده فرصت طلبانه طی نامه ای به آیت الله خمینی وفاداری خود را به انقلاب اسلامی اعلام داشته و نوشته اند که اندیشه و قلم و هوششان در خدمت به انقلاب و غیره خواهد بود. راستی آنست که این گروه در پرده این نامه و عرایض مطبوعاتی دیگرشان تنها میخواستند وفاداری خود را به حزب تود و سران بدست بیاورند و این حزب اعلام کنند و همه اندیشه و قلم و هوششان را با فراغ بال در خدمت به این

درباره گروه اخراجی کانون نویسندگان ایران

حزب کدائی و اهداف ضد ملی و پلید آن گذارند. معنای انشعاب این هنرمندان، که همراهی خود را با نوکران امپریالیسم قدره بند روس و تبلیغ برای آنها میزورانه در قالب ای از وفاداری به انقلاب و پیروی از آیت الله خمینی پوشانده اند و بی میا با گذشتن از روی نقش شهیدان قدیم توده ای به پاپیوسی درودسته کمیته مرکزی حزب توده شتافتند، همین است.

حزب توده برای رسیدن به مطامع خود، از هیچ چیز کوتاهی نمیکنند، حتی به قیمت خفه کردن صدای آزادیخواهان مردم. از قرار حزب توده به یکباره مخالف برگزاری بقیه در صفحه ۱۱

رژیم حاکم در دهات مرز نشین و اطراف شهرها مساهمت خود را در برخورد به روستا نشینان به خوبی نشان داد. چند نمونه:

حمله به مردم ده اواخر شهریور - تیراندازی با توپ به قریه "باساوی" در منطقه سردشت. بقیه در صفحه ۱۱